

خلافت عمر بن خطاب - سال 13 هجری قمری

ابوحفص، عمر بن خطاب بن نفیل عدوی، که نام مادرش حنتمه بنت هاشم بن مغیره مخزومی بود...



ابوحفص، عمر بن خطاب بن نفیل عدوی، که نام مادرش حنتمه بنت هاشم بن مغیره مخزومی بود، در حدود سال 13 عام الفیل، در مکه معظمه به دنیا آمد و پس از ظهور اسلام توسط حضرت محمد(ص)، بسان سایر اهالی مکه با این پدیده جدید مخالفت و دشمنی می نمود و در این راه سخت گیر و متعصب بود و حتی به خاطر مسلمان شدن خواهرش فاطمه بنت خطاب و همسرش سعید بن زید، با آنان مشاجره و دعوا نمود و چنان ضربتی بر سر خواهرش وارد ساخت که سرش را شکسته و خون را بر سر و صورت او جاری ساخت.

ولیکن مدتی پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه منوره، او نیز مسلمان شد و به مدینه مهاجرت کرد.

پس از رحلت پیامبر(ص) وی از افرادی بود که بدن مطهر پیامبر(ص) را در خانه اش رها و برای تعیین خلیفه وقت، به سوی سقیفه بنی ساعده شتافت. عمر از عناصر اصلی بیعت با ابوبکر بود و در این راه، بسیار سماجت کرد و سرانجام با اجبار و اکراه، از عموم مردم برای وی بیعت گرفت و در این راه جنایت های متعددی مرتکب گردید، که پیامبر اکرم(ص) در حدیثی آن را پیش گویی کرده بود.

در دوران خلافت ابوبکر، به ظاهر او خلیفه مسلمین، ولی در باطن، همه کاره حکومت، عمر بن خطاب بود. در تاریخ یعقوبی آمده است: و کان الغالب علی أبي بکر، عمر بن الخطاب.

ابوبکر بن ابی قحافه هنگامی که به مرگ خویش اطمینان پیدا کرد، عثمان بن عفان را طلبید و به وی دستور داد که جانشینی عمر بن خطاب را با این عبارت بنویسد: بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما عهد ابوبکر خلیفه رسول الله الي المؤمنین و المسلمین: سلام علیکم. فأتی احمد الیکم الله، اما بعد فأتی قد استعملت علیکم عمر بن الخطاب، فاسمعوا و اطیعوا، و ائی ما أوتکم نصحا. والسلام.

گویند ابوبکر پیش از انتصاب عمر بن خطاب، با برخی از صحابه معروف، هم چون طلحه بن عبیدالله، عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف در این باره مشورت کرد.

ولی به نظر می رسد که میان او و عمر بن خطاب از سابق، این تعهد دو جانبه وجود داشته و بر اساس آن، عمل کردند.

به هر روی، پس از وفات ابوبکر و غسل و کفن او، عمر بن خطاب بر وی نماز گزارد و مابین نماز مغرب و عشا او را در جوار قبر پیامبر(ص) دفن نمودند. در روز بعد، عمر بن خطاب به مسجد رفت و در حضور مردم، بر فراز منبر رسول خدا(ص) قرار گرفت و يك پله پایین از جایی که ابوبکر می نشست، نشست و مرگ ابوبکر را تسلیت گفت. آن گاه به حاضرین مجلس گفت: خداوند متعال مرا به شما و شما را به من مبتلا (و آزمایش) گردانید و مرا پس از دو ستم (ابوبکر) در میان شما باقی گذاشت.

سپس صحبت های دیگری نیز برای مردم به عمل آورد و از مردم بیعت گرفت.

گرچه انتصاب وی به خلافت و اخذ بیعت از مردم، خلاف وصیت پیامبر(ص) و روش معمول و پذیرفته مسلمین در انتخاب آزاد بود، با این حال، مسلمانان مجبور به بیعت با او بودند و الا برای خویش امنیت و آرامشی پیش بینی نمی کردند.

نویسنده کتاب "عمر بن الخطاب" در این باره گفت: و بايع المسلمون عمر بالخلافة بين راض و متكره، و مطمئن و متخوف و جميعهم ينظرون مايكون من عمر في يوم الجديد.

عمر بن خطاب، پس از استقرار در مقام خلافت، در نخستین اقدام عملی خود، خالد بن ولید را از فرماندهی سپاه مسلمانان در شام، عزل و به جای وی ابوعبیده جراح را منصوب کرد.

هم چنین وی در تقسیم بیت المال در میان مسلمانان، روش پیامبر(ص) و ابوبکر بن ابی قحافه را که بر اساس مساوات بود، تغییر داد و به روش خاصی، عده ای را بر عده دیگر ترجیح داد و سهم بیشتری برای آنان تعیین نمود.

وي پس از ده سال و نيم حكومت، سرانجام در ذي حجه سال 23 قمری به دست فيروز ابولؤلؤ ايراني كشته شد.